

## احسان طبری، استعدادی خلاق که وقف سیاست شد

فرج سرکوهی



احسان طبری (۱۲۹۵ - ۱۳۶۸)

نقد و نظریه ادبی در زادگاه خود اروپای غربی از بستر تفکر انتقادی برخاست. فقر فلسفی و غیبت تفکر انتقادی در ایران زمینه مناسبی برای رشد و ارتقای نقد و نظریه ادبی نبود با این همه نادر کسانی چون نیما با نوشتن آثار ارزشمندی چون «ارزش احساسات» در این عرصه کوشیدند و نظریات کسانی چون خانلری و نیما بر روند ادبیات و هنر معاصر ایران تأثیری گسترده و عمیق بر جای نهاد.

مؤلف مجموعه روشنگران ایرانی و نقد ادبی، که در نوشته‌های پیشین خود آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی، میرزا ملکم خان، زین‌العابدین مراغه‌ای، طالبوف تبریزی، احمد کسروی و صادق هدایت را از پیشگامان نقد ادبی در ایران معرفی می‌کند، جلد اول و دوم این مجموعه را به بررسی نظریات، تأثیر و نفوذ دکتر پرویز ناتل خانلری و علی دشتی بر ادبیات ایران اختصاص داده و در جلد سوم داورهای و نوشته‌های پراکنده احسان طبری را در عرصه نقد ادبی تحلیل می‌کند.

مؤلف گزینش خود را بر معیار «تأثیرگذاری شخصیت‌ها در حوزه نقد ادبی» بنا کرده است. نقد ادبی خانلری زمینه نظری پیدایی و تداوم نحله‌ای را فراهم کرد که در شعر فارسی به نئوکلاسیک شهره است. تأثیر گسترده نقد ادبی خانلری بر دیگر ژانرهای ادبی ایران نیز انکارناپذیر است.

نوشته‌های علی دشتی درباره کلاسیک‌های ایرانی با معیارهای نقد ادبی چندان نمی‌خواند اما دشتی به روزگار خود بر لایه‌های گسترده‌ای از مخاطبان آثار ادبی تأثیر، برد و نفوذ داشت و ابعدی ناشناخته از شعر کلاسیک‌های ایرانی را کشف و معرفی کرد.

اما حوزه تأثیر و نفوذ احسان طبری نه ادبیات و هنر، که عرصه سیاست و فلسفه سیاسی بود و هویت فرهنگی طبری، به رغم داوری‌های پراکنده و جزمی او در نقد ادبی و به رغم رمان‌ها و شعرهایی که منتشر کرد، نه با آثار ادبی او، که با نوشته‌های نظری او در عرصه فلسفه، فلسفه سیاسی، شناخت‌شناسی و جامعه‌شناسی مشخص و نفوذ و تأثیرگذاری گسترده او نیز بر نحله‌ای از چپ سنتی ایران به همین عرصه‌ها محدود بود.

احسان طبری تا زنده بود با نفوذترین شخصیت نظری حزب توده بود اما حتی در دهه سی که طبری در اوج قدرت حزبی و رسانه‌ای و از حامیان تحول و تجدد در هنر و ادبیات بود، شاعران و نویسندگان معاصر او چون نیما، هدایت و خانلری با احکام جزمی و کلی ادبی او به شدت مخالف بودند و نیما، که از داوری‌های جزمی طبری در باره شعر و نظریات ادبی خود برآشفته بود، در نامه‌ای خطاب به او نوشت «آنکه غریبال دارد از پی کاروان می‌آید».

مؤلف کتاب احسان طبری و نقد ادبی، طبری را «یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌های معاصر ایران در حوزه نقد و تفکر انتقادی» معرفی می‌کند و بر آن است که «طبری موجود شگفت‌انگیزی بود که عمرش را در عالم سیاست تباہ کرد».

مؤلف احسان طبری را چون منتقدی مارکسیست معرفی و از این منظر داوری‌های پراکنده و کلی او را در عرصه خلاقیت ادبی نقد می‌کند اما طبری در نقد ادبی دست و ادعائی نداشت و احکام ادبی او نیز نه با نقد ادبی مارکسیستی که با منظر بسته و جزمی مارکسیزم روسی و چپ سنتی همخوان بود.

در آثار مهم و تأثیرگذار احسان طبری در قلمرو فلسفه، فلسفه سیاسی و تاریخ نیز، نه با نظریه‌پرداز و متفکری میدخ و خلاق، که چنان که سال‌ها پیش در مقاله‌ای با عنوان «طبری، راوی جزمی یا متفکری خلاق» نوشته‌ام، با «شارحی دقیق» روبه‌رو هستیم.

شعرها و داستان‌های طبری از استعداد خلاق اما حرام شده او در این عرصه حکایت می‌کنند و به گفته همان مقاله طبری «خلاقیت و استعداد درخشان ادبی، هنری و نظری، دانش گسترده، قلم شیوا و توانایی شگرف خود را در طرح مسائل نظری دشوار، بی‌دریغ، در پای حزب توده و برداشت جزمی استالینی از فرهنگ فدا کرد».

احسان طبری در سال ۱۲۹۵ چشم به جهان گشود. در نوجوانی با محفل مارکسیستی دکتر تقی ارانی، که بعدتر به گروه ۵۳ نفر مشهور شد، پیوند خورد.

در سال ۱۳۱۶ به زندان افتاد و پس از آزادی از زندان در سال ۱۳۲۰ از بنیان‌گذاران و از اعضای کمیته مرکزی حزب توده و از گردانندگان و نویسندگان روزنامه پرنفوذ مردم بود. در ۱۳۲۷ به زندان افتاد و در ۱۳۲۸ از بند گریخت و به ناچار به شوروی سابق مهاجرت کرد و در آن دیار و در آلمان شرقی آن روزگار تحصیلات خود را تا اخذ دکترای فلسفه ادامه داد.

طبری پس از انقلاب اسلامی به ایران بازگشت و آثار او در عرصه‌های فلسفه و جامعه‌شناسی و رمان‌ها و شعرهای او، که در ایران ممنوع بودند، آزادانه تجدید چاپ شدند.

در سال ۱۳۶۰ طبری همراه با دیگر رهبران حزب توده زندانی و در اسارت مجبور به «اعتراف» شد. طبری گذشته فکری و سیاسی خود را رد کرد و دو کتاب گزراهه و نقد دیالکتیک را نوشت و در سال ۱۳۶۸ درگذشت.

از آثار طبری می‌توان به برخی بررسی‌ها در باره جهان‌بینی‌ها و بینش‌های اجتماعی در ایران، درباره اسلوب هیوریستک و برخی مسایل تئوری احتمالات، درباره سیبرنتیک یا دانش گردانش، درباره منطق عمل و رمان‌های خانواده برومند، فرهاد چهارم و سفر جادو و مجموعه منظوم پچیچه پاییز اشاره کرد.

+++++

برچیده تبرستان از: رادیو فردا 20-9-2009 / 29-6-1388

[http://www.radiofarda.com/content/F7\\_Weekly\\_Book\\_Review\\_Tabari/1827002.html](http://www.radiofarda.com/content/F7_Weekly_Book_Review_Tabari/1827002.html)